

جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰)

علیرضا شاه‌حسینی^۱

چکیده

شترداری تا اواسط دهه ۱۳۴۰ شمسی، یکی از فعالیت‌های مهم اقتصادی عشایر ایل الیکایی بود. شتر در کنار گوسفند و بز، یکی از دام‌های اصلی محسوب می‌شد و در هنگام کوچ، شتر نقش برجسته‌ای در جابه‌جایی لوازم برعهده داشت. انتقال غله از خوارآ به تهران، تأمین سوخت شهرها، انتقال پنبه تولیدی روستاهای خوار به کارخانه پنبه ساروزن و سایر امور از طریق شتر انجام می‌شد و بنابراین مهم‌ترین کاربرد آن در برنامه‌های ترابری و بارکشی بود. همچنین از پشم شتر برای بافت انواع صنایع دستی و از شیرش، برای تهیه گورماست استفاده می‌کردند. گورماست غذایی بسیار مقوی برای ساربانان و عشایر بود. شتر اثرات گسترده‌ای بر فرهنگ و فولکلور ایل داشته است. در مقاله حاضر افزون بر پرداختن به نقش اقتصادی شتر و سودآوری ناشی از تولیدات مختلف این حیوان مانند کود، پشم و گوشت که عاید عشایر می‌شد، به نقش آن در غنای ادبیات شفاهی مرتبط با شتر، مانند آواها و نواها، ضرب‌المثل‌ها و باورها پرداخته شده است. این مقاله از طریق مصاحبه با ده نفر از ساربانان و شترداران کهنسال ایل الیکایی تدوین شده و برای آگاهی از پیشینه شترداری، به منابع مکتوب مانند سفرنامه‌ها مراجعه شده است.

کلیدواژه‌ها: عشایر، ایل الیکایی، شترداری، فرهنگ، ادبیات شفاهی

۱. دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و پژوهشگر دانش و فرهنگ بومی؛ آدرس ایمیل: hablerood@gmail.com

۲. نام پیشین گرمسار

۸۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱. مقدمه

ایل الیکایی، یکی از مهم‌ترین ایلات کوچنده شهرستان‌های گرمسار و آرادان در استان سمنان است. جمعیت این ایل در بیشتر روستاهای دو شهرستان آرادان و گرمسار سکونت دارند، اما تمرکز آنها در روستاهای حاشیه کویر است. روستاهای فروان در شهرستان آرادان و غیاث‌آباد در شهرستان گرمسار از پایگاه‌های اصلی این ایل به شمار می‌روند. تا اوایل قرن چهاردهم شمسی، تمامی جمعیت ایل کوچ‌رو بودند. به تدریج در روستاهای دشت گرمسار اسکان یافتند و به کشاورزی و خدمات روی آوردند؛ بخشی از آنها نیز به شهرهای مختلف، از جمله آرادان و گرمسار و پایتخت مهاجرت کردند و شهرنشین شدند. آمار عشایر کوچ‌روی این ایل بر اساس آخرین سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده در تیر ماه ۱۳۸۷، ۱۵۳۴ نفر در قالب ۳۴۸ خانوار گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸: ۴۳) در دوره ییلاقی، در مناطق کوهستانی البرز شرقی (کوه‌های گیلور در جبهه شرقی دره حبله‌رود) و البرز مرکزی در شهرستان‌های فیروزکوه دماوند، لار و پلور و در دوره قشلاقی، در روستاهای دو شهرستان گرمسار و آرادان استقرار می‌یابند. از گذشته‌های دور، فعالیت اصلی ایل بر پایه دامداری سنتی، بویژه پرورش شتر، گوسفند و بز استوار بوده است. به دلایلی، از جمله ورود ماشین به زندگی کوچ‌نشینی، گسترش زمین‌های کشاورزی و محدودیت مراتع، تعداد شترها به تدریج کاهش یافت، چنان‌که در حال حاضر (۱۳۹۹) تنها تعداد ۹۶ نفر شتر در منطقه پرورش داده می‌شوند. (احمدی، ۱۳۹۹)

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه شتر و ارتباط آن با فرهنگ مردم، پژوهش‌های اندکی انجام شده است. هنری (۱۳۵۴) به رفتارشناسی شتر، تولید مثل، نام‌گذاری، بیماری‌ها و داغ و نشان کردن آنها در «خور» از توابع استان اصفهان پرداخته است. تأکید وی بیشتر بر شیوه شترداری و دانش بومی آن در منطقه خور و بیابانک بوده است. گلی زواره (۱۳۶۹) در مقاله‌ای، اختصاصات شتر، نام‌های شتر و نقش آن در اشعار شعرا و امثال و حکم، را بررسی کرده است. ایران‌نژاد پاریزی (۱۳۸۷) به ادبیات شفاهی مردم روستای «آشکارا» در

جایگاه شتر و ساربان‌ی در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۸۱

حاجی آباد بندرعباس پرداخته و مثل‌ها، اشعار، ترانه‌های محلی و آهنگ و نوای موسیقی محلی معروف به «اُشتر قُجوی» [خُجوی] را به همراه قصه مربوط به آن بیان کرده است. شاه‌حسینی (۱۳۹۱) به چند ترانه از ساربانان استان سمنان از جمله «بریوگ» و «هوی روروگ» اشاره کرده است. برجی (۱۳۹۵) ضرب‌المثل‌های مربوط به شتر را در دو بخش مجزا و با استناد به منابع مکتوب گرد آورده است با وی در بخش نخست، تنها به بیان ضرب‌المثل‌های معروف درباره شتر بسنده کرده و در بخش دوم، به ریشه‌یابی تعدادی از مثل‌های معروف و بیان داستان آنها پرداخته است. عامری و طباطبایی نیز (۱۳۹۶) با دسته‌بندی مهم‌ترین واژگان و اصطلاحات مرتبط با شترداری در دهستان طرود شهرستان شاهرود، به نکته‌های دیگری از قبیل واژگان همانند، در دیگر گویش‌های ایرانی، وجوه اشتقاق آنها، ریشه‌یابی برخی از واژه‌های کهن ایرانی و آداب و رسوم ساربان‌ی در این گونه زبانی پرداخته‌اند و در مجموع ۱۸۰ واژه و اصطلاح شترداری را گردآوری کرده‌اند. با اینکه در اغلب مقاله‌ها و پژوهش‌ها، به صورت گذرا به برخی از مؤلفه‌های فرهنگی اشاراتی شده است، تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه نقش و جایگاه شتر در فرهنگ ایل الیکایی انجام نگرفته است. در گذشته، شترداری در ایل الیکایی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و ضرورت اقتصادی و تأثیرات فرهنگی و روانی در کل، شأن و منزلتی ویژه برای شتر در فرهنگ مردم این ایل فراهم آورده است. با اینکه مقتضیات زمانی سبب شده است تا شترداری و ساربان‌ی رونق خود را از دست بدهد، ثبت و ضبط ادبیات شفاهی مربوط به آن می‌تواند ضمن ارائه مطالب به علاقه‌مندان فرهنگ عامه و فرهنگ دوستان، به حفظ بخشی از فرهنگ اصیل قومی ایران زمین و پاره کمتر شناخته شده از هویت ملی کمک کند.

درباره شترداری ایل الیکایی اطلاعات اندک و پراکنده‌ای در منابع تاریخی در دست است. اغلب این اطلاعات در سفرنامه سیاحان، فرهنگ‌های جغرافیایی و یا اسناد تاریخی منعکس شده‌اند. استرآبادی در سفرنامه خود در سال‌های ۱۲۷۶-۷۷ ق/ ۱۲۴۰-۱۲۳۹ش درباره جمعیت و معیشت ایل الیکایی خوار (گرمسار امروزی) نوشته است: «۲۵۰ خانوار علی‌کاهی (الیکایی) که چادر نشینند در خوار سکنی دارند.

۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

کاسبی شان از شتر و گوسفند و بافتن گلیم، قالی، پلاس، مفرش، خورجین و سایر چیزهاست». (استرآبادی، ۱۳۵۵: ۹).

در کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها) که اواخر دهه ۱۳۲۰ ش منتشر شده است؛ ضمن معرفی آبادی‌ها به معیشت ساکنان آنها نیز اشاره شده است. جلد نخست این فرهنگ به آبادی‌های استان مرکزی اختصاص دارد؛ در آن زمان گرمسار در حوزه استان مرکزی قرار داشته است. البته در این کتاب، تنها به روستای چشمه مُلک گرمسار (آرادان کنونی) اشاره شده که شترداری در آن رواج داشته است. در حالی که اغلب روستاهای ایل نشین مانند خلخالیه، رمضان قره، چشمه ملک، امامزاده ذوالفقار، کهن تل، عدل‌آباد، اوبه الیکایی‌ها، نورالدین‌آباد، فروان و غیره از مراکز مهم پرورش شتر بوده‌اند. (رزم‌آرا، ۱۳۲۹: ۵۹) به گفته کهنسالان ایل در اوایل قرن حاضر، اغلب خانوارهای ایلاتی دست کم دو نفر شتر در اختیار داشته‌اند.^۱

طبق اولین سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده در تیرماه ۱۳۶۶، عشایر کوچنده الیکایی ۳۵ نفر شتر و بیچه شتر در اختیار داشته‌اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷). در دومین سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده در تیرماه ۱۳۷۷، عشایر کوچ‌رو ایل الیکایی، دارای ۱۰ شتر و بیچه شتر بوده‌اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸) و در سومین سرشماری در سال ۱۳۸۷، تعداد این دام ۴۲ نفر گزارش شده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸: ۶۵).

تعداد شترهای شهرستان‌های گرمسار و آرادان در سالنامه آماری استان سمنان در سال ۱۳۹۰، ۷۵ نفر ذکر شده است. (استانداری سمنان، معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۹۱: ۲۵۲)

در حال حاضر، آخرین نسل شتردار ایل الیکایی، فرزندان شادروان فرضعلی شاه‌حسینی به نام‌های سبزعلی، صفر و رمضان هستند که ۴۵ نفر شتر دارند.^۲ آنان قشلاق را در روستای فروان شهرستان آرادان و ییلاق را در مرتع یمین از توابع دهستان

۱. آقای مصیب گیلوری از شترداران کهنسال ایل (متولد ۱۳۱۹) ساکن اسلام‌آباد آرادان برای نگارنده نقل کرد که تعداد شتر در خوار (گرمسار امروزی) به قدری زیاد بود که صبحگاهان که گله‌های شتر را برای چرا روانه مراتع کویری می‌کردند، جلوی آفتاب را می‌گرفت.

۲. در سال ۱۳۶۸، بیست و هفت نفر از شترهای آقای سبزعلی شاه‌حسینی معروف به سبزعلی شتردار در اثر برخورد قطار تهران - مشهد در حوالی ایستگاه دهنمک تلف شدند.

۸۳ ❖ جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی

پشتکوه شهرستان فیروزکوه می‌گذرانند. همچنین رستم باصری از شترداران ایوانکی نیز حدود ۶۰ نفر شتر در اختیار دارد. وی در دوره بیلاقی شترهای خود را به دره لار در استان تهران کوچ می‌دهد و در دوره قشلاقی، برای چرا به مراتع زمستانه اطراف ایوانکی تا کوه کلرز می‌برد. افزون بر این، تعدادی از بومیان علاقه‌مند به پرواربندهی شتر، آنها را از شهرستان‌های شاهرود و دامغان، خریداری و به مدت ۳ تا ۴ ماه، پروار و سپس روانه کشتارگاه می‌کنند.

۳. بحث و بررسی

شتر نزد عشایر کوچنده ایران از جمله ایل الیکایی، نقش مهم و برجسته‌ای داشته و در مسیرهای طولانی کوچ از بیلاق به قشلاق و برعکس، از آن استفاده می‌شده است. از پشم آن در تولید انواع صنایع دستی و از گوشت آن در تهیه قورمه بهره می‌برده‌اند و شیر آن علاوه بر خوراک، در درمان برخی بیماری‌ها کاربرد داشته است. در اینجا به تفصیل به برخی از کاربردهای شتر در میان ایل الیکایی پرداخته می‌شود.

۳-۱. باربری

مهم‌ترین کاربرد شتر در میان عشایر الیکایی، استفاده از این حیوان برای بارکشی بوده است. هر ۷ نفر شتر بارکش را یک «قاطار» (قطار) می‌نامیدند. هدایت قطار شتران بر عهده ساربان بود و اولین شتری که در جلوی قطار حرکت می‌کرد، «جلوی‌دار» یا «بارگیر» نامیده می‌شد. اسباب و اثاث ساربان شامل پوشاک، مواد غذایی، آب و... بر شتر جلوی‌دار نهاده می‌شد و میزان بار شترها را سن و جنس آنها تعیین می‌کرد. لوک^۱، بسیار توانمند و قادر به تحمل ۹۰ من، برابر با ۲۷۰ کیلوگرم است حتی گاه در مسافت‌های نزدیک، تا ۱۰۰ من یعنی ۳۰۰ کیلوگرم نیز بار حمل می‌کند. اروانه‌ها^۲ در مقایسه با لوک‌ها، بار کمتری حمل می‌کنند و از بار نهادن بر اروانه‌های آبستن خودداری می‌شود. در گذشته، اصلاح نژاد سنتی برای پرورش شترهای توانمندتر مرسوم بود. آنان

۱. شتر نر بالغ

۲. شتر ماده بالغ

۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

با اختلاط شترهای دوکوهانه^۱ و یک کوهانه^۲، موجبات تولد شترهای «نرمایه» را فراهم می‌کردند. شتر دورگه را «دودرغه»^۳ می‌نامیدند و نوزادان متولد شده دورگه را چنانچه «نر» بود «نرمایه» و اگر ماده بود «مایه» می‌خواندند. «نرمایه» شتری قوی هیکل و بسیار زیبا بود که در بارکشی، بر دیگر شترهای نر برتری داشت. به گفته شترداران و ساربانان کهنسال ایل، شتر را بعد از پایان دو سالگی و در آستانه سه سالگی، بار می‌کنند. شترداران حوزه کویری استان سمنان مانند رضاآباد و احمدآباد خوار و توران، طرود شاهرود و حسن‌آباد دامغان سن قانونی را برای نهادن بار بر شتر سه سالگی می‌دانند و در این سن، شتر را «حق» می‌نامند به این معنی که ساربان حق دارد برای حمل، بر حیوان بار بگذارد. البته ممکن بود بر حسب ضرورت، بر شتران با سن کم نیز بار کمتری بنهند. در این صورت، به جای نام‌گذاری شتر بر حسب سن، بر اساس میزان بار نهاده بر حیوان، نام آن را انتخاب می‌کردند. برای مثال، ۲۵ منه یعنی شتری که بر او ۷۵ کیلوگرم بار نهاده شده است. یا ۴۵ منه، یعنی شتری که بر او ۱۳۵ کیلوگرم بار می‌نهند. دست کم هر قطار شتر را باید دو ساربان همراهی می‌کرد؛ زیرا بارگیری در منازل بین راهی به تنهایی میسر نبود. قطار شتران برابر به طور میانگین، یک فرسنگ را در بازه زمانی ۹۰ دقیقه می‌پیمودند؛ و در این توقفگاه‌های موقتی به استراحت می‌پرداختند. شترها ادرار خود را تخلیه می‌کردند و دیالاق‌ها^۴ نیز فرصتی می‌یافتند که از شیر مادر تغذیه کنند تا توان راهپیمایی داشته باشند. به این مکان‌های استراحت در اصطلاح «اوی آنداز» می‌گفتند.

تا اواسط دهه ۱۳۴۰ شتر به عنوان وسیله اصلی حمل اثاث در کوچ از قشلاق به بیلاق و برعکس مورد استفاده کوچ‌نشینان گرمسار قرار می‌گرفت. در اصطلاح هر خانوار ۲ تا ۵ شتر داشتند تا «پاکش» آنها باشد و اثاث‌شان را از بیلاق به قشلاق حمل کند. البته از الاغ نیز برای حمل اثاث کوچ استفاده می‌کردند. نداشتن شتر برای

۱. دو کوپونه

۲. یک کوپونه

3. dodorqah

۴. نوزادان

کوچ‌نشینان معضل بود چرا که حمل برخی از وسایل سنگین و حجیم، فقط با شتر امکان تحقق می‌یافت. حتی در شرایط اضطرار و کمبود الاغ، از شترهای «بله‌بون» یعنی دو ساله برای بارکشی استفاده می‌کردند که در این صورت با «بَلَن» یعنی قطعات سیاه‌چادر، جهازی آماده می‌کردند و آن را با ریسمان «سینه بند» و «دُم پارتنی» می‌دادند و محکم می‌بستند تا بار در سراسیمی و سرازیری تعادل خود را حفظ کند. البته باری که بر «بله‌بون» می‌نهادند، معادل بار یک الاغ یعنی ۲۵ تا ۳۰ من بود تا حیوان توان حمل آن را داشته باشد و آسیبی به وی نرسد. به این شیوه بار نهادن بر شتری که به سن بارکشی نرسیده بود «آسیری» گفته می‌شد. با رسیدن به بیلاق، شترها در مراتع آزادانه چرا می‌کردند و کمتر برای بارکشی به کار گرفته می‌شدند. مگر زمانی که باغداران دره حبله‌رود برای جابه‌جایی محصولات باغی مانند قیسی نیاز به حمل بار داشتند.

حمل هیزم، تاغ، گز، گنگ، لور و مانند آن از مراتع کویری و سیاه‌کوه در جنوب به شهرهای آرادان و گرمسار برای تأمین سوخت حمام‌ها، مدارس و گرمایش منازل مسکونی، از مهم‌ترین فعالیت‌های شترداران در منطقه خوار بود. یکی از فعالیت‌های ساربانان حمل زغال از مناطق جنگلی شمال سمنان (پرور، رودبارک و فولادمحله) به خوار برای تأمین سوخت بود. شترداران از اوایل آذر تا اسفند ماه، کار «وش‌کشی»^۱ از بارگاه‌ها^۲ تا کارخانه پنبه ساروزن گرمسار را بر عهده داشتند. نکته جالب در «وش‌کشی» این بود که تمامی شترها به جز شتر جلودار باید «دوهون کیسه»^۳ می‌شدند تا امکان خوردن بار پنبه شتر جلویی را نداشته باشند. کاربری دیگر شتر در اواخر کوچ پاییزه، انتقال حاصل^۴ به کحل^۵ بوده است. مقاومت شتر در راهپیمایی‌های به نسبت طولانی مسیر یورد^۶ تا کحل و حرکت آرام و توانایی حمل بار سنگین‌تر در مقایسه با الاغ از مزیت‌های آن در این گونه باربری‌ها بوده است.

۱. جابجایی پنبه

۲. محل دپوی وش‌پنبه

۳. کیسه‌ای که بر دهانش بندند

۴. پوست‌های فرآورده‌های لبنی کره، پنیر و ماست

۵. kohل: محل نگهداری فرآورده‌های لبنی عشایر

۶. اردوگاه بیلاقی

۳-۲. جهاز شتر

برای استفاده از شتر در حمل بار یا سوار شدن و سفر، ابتدا باید جهاز بر پشت آن می‌نهادند و در اصطلاح حیوان را جهاز می‌کردند. جهاز شتر از چند قسمت ساخته می‌شد:

عرق‌گیر: عرق‌گیر قطعه نمدی بود که ابتدا بر پشت شتر قرار می‌گرفت و همان‌طور که از نامش پیداست، کار آن جذب عرق پشت حیوان بود. سپس جل^۱ عرق‌گیر و جل را به نحوی بر پشت حیوان می‌نهادند که کوهان‌اش کاملاً پیدا بود. جل را زنان مانند گلیم از نخ پشم گوسفند می‌بافتند و قرار گرفتن عرق‌گیر و جل بر پشت کوهان شتر کاملاً هویدا بود. بخش بافتنی جهاز را همانند گلیم به طول ۵ قلاج (ذرع) و عرض دو وجب مردانه، زنان تهیه می‌کردند اما کار بافتن جهاز بر عهده مردان بود. داخل جهاز را با جیل و جَوَل و جگن می‌انباشتند و آن را با چوب می‌کوفتند و فشرده می‌کردند. در برخی مناطق از جمله رضاآباد خوار و توران، برای پُر کردن داخل جهاز از سفال‌های پانخورده تابستان استفاده می‌کنند، به این ترتیب که پس از جدا کردن خوشه گندم از ساقه، ساقه‌های آن را در جهاز می‌ریختند که مقاومت بیشتری داشت. در لابه‌لای «سفال» هم قطعات تخته چوب کوچک قرار می‌دادند تا سفال‌ها که به مرور زمان، فشرده و فرسوده می‌شوند، حالت خود را حفظ کنند. سپس با جوال‌دوز بزرگی آن را می‌دوختند. جهاز اندازه‌های مختلف داشت. بزرگ‌ترین آن متعلق به «لوک» بود و هر چه حیوان جثه کوچک‌تری داشت جهازش هم بالطبع کوچک‌تر می‌شد. این کار باعث می‌شد که جهاز کارایی خود را حفظ کند.

خطاب^۲: چوبی به شکل عدد ۸ است که در جلوی جهاز برای نگه‌داشتن بار یا سوار تعبیه می‌شد.

قوش^۳: در عقب جهاز شتر نیز برای نگه‌داشتن بار یا سوار، دو چوب ۸ مانند به طول ۵۰ سانتیمتر قرار دارد؛ این نگه‌دارنده قوش نامیده می‌شود. ساربانان توبره سبکی را که وسایل دم دستی و مورد نیاز، از قبیل کوزه آب و مواد خوراکی در آن جای داشت، به قوش آویزان می‌کردند.

۱. جل

۲. xatâb: شترداران جنوب دامغان و خوار و توران به آن «قطاب» می‌گویند.

۳. quš: شترداران طایفه چوداری به قوش «کُتی» نیز می‌گویند.

جایگاه شتر و ساربان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۸۷

سینه بند: ریسمانی به طول حدود دو متر است که از موی بز توسط مردان بافته می‌شود، سپس از پهنا آن را به هم می‌دوزند تا شکل نوار پهنی به خود بگیرد. برای زیبایی آن نیز از رنگ‌های سیاه و سفید موی بز بهره می‌گیرند. سینه‌بند که آن را به خطاب متصل می‌کنند، نگه‌دارنده جهاز، بار و سوار در حرکت حیوان در سربالایی‌هاست تا مانع از سقوط آنها شود. برای نگه داشتن جهاز و بار در سراسیمی نیز نوار پهنی از جنس ریسمان را از زیر دم حیوان عبور می‌دهند و به قوش متصل می‌سازند.

تنگ: ریسمان بافته شده از پشم شتر یا گوسفند است که جهاز را دربرمی‌گیرد و آن را محکم نگه می‌دارد.

تزئینات شتر: برای تزئین شتر بویژه در مراسم عروسی، منگوله‌های رنگارنگی را به دور گوش‌ها و گردن آن می‌آویزند. به این منگوله‌ها «گلمله»^۱ می‌گویند. افزون بر این، ریسمانی تزئین شده را نیز بر سر و گردن شتر می‌آویزند که «گل اوی سال»^۲ نام دارد.

زنگوله‌های شتر: زنگ در سازمان‌دهی و تنظیم حرکت کاروان شتر نقش بسیار مؤثری دارد؛ زیرا گوش ساربان و کاروان به آن عادت کرده است. شترداران از زنگوله‌های مختلفی برای شتران خود استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- **گورگه یا گبرگه:** زنگ بزرگی که فاقد زبانه است و با برخورد به «سینه زنگ»، صدا می‌دهد. این زنگ بر گردن اولین شتر کاروان که به طور معمول، لوک است، آویخته می‌شود. گبرگه صدایی بم و سنگین دارد. و از فاصله ۶ تا ۸ کیلومتری شنیده می‌شود.

- **گوشواره:** زنگ کوچکی است که زیر گوش‌های شتر می‌آویزند. در منطقه سرکویر و طرود، این نوع زنگ «ورگوشی» نامیده می‌شود.

- **حیدری:** زنگی بزرگ و استوانه‌ای، دارای دسته است که بر بغل آخرین شتر کاروان بسته می‌شود و در صورت پاره شدن «دُم اوسال»^۳ که شترهای یک قطار را به هم متصل کرده است، ساربان را آگاه می‌کند. در بین شترداران حسن‌آباد دامغان، به این زنگ «کلیچه» و شترداران رضاآباد خوار و توران «کلک» می‌گویند.

1. golmala

۲. گل افسار

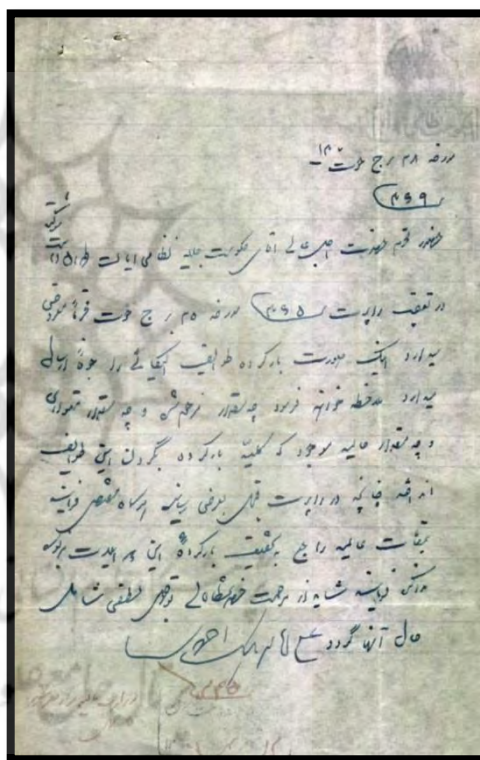
۳. دُم افسار

۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- **سینه زنگ:** این نوع زنگ از جنس برنج ساخته می‌شود، دارای زبانه است و هنگام برخورد با گبرگه صدای زیادی تولید می‌کند.
- **قوروجه:** زنگ‌هایی کوچک و کروی شکل به اندازه تقریبی گردو هستند که روی سینه‌بند بسته می‌شوند.

۳-۳. بارکرده

در دوره قاجاریه، مالیات هر یک از ایلات و طوایف با توجه به تعداد احشام و اغنام ایل، تعیین و محاسبه می‌شد. روسای ایلات و طوایف، مسئول وصول و ایصال آن بودند. بر اساس گزارش رئیس اداره مالیات ایالت تهران به خزانه‌داری کل در سال ۱۲۹۴ ش (۲۰ فوریه ۱۹۱۶ م) اصل و فرع مالیات ایل الیکایی بابت حق تعلیف خوار و دماوند و مالیات الواریه ۸۸۲۴/۱۳۴۱ قران (۸۸۲ تومان) تعیین شده بود. (سند ۱)

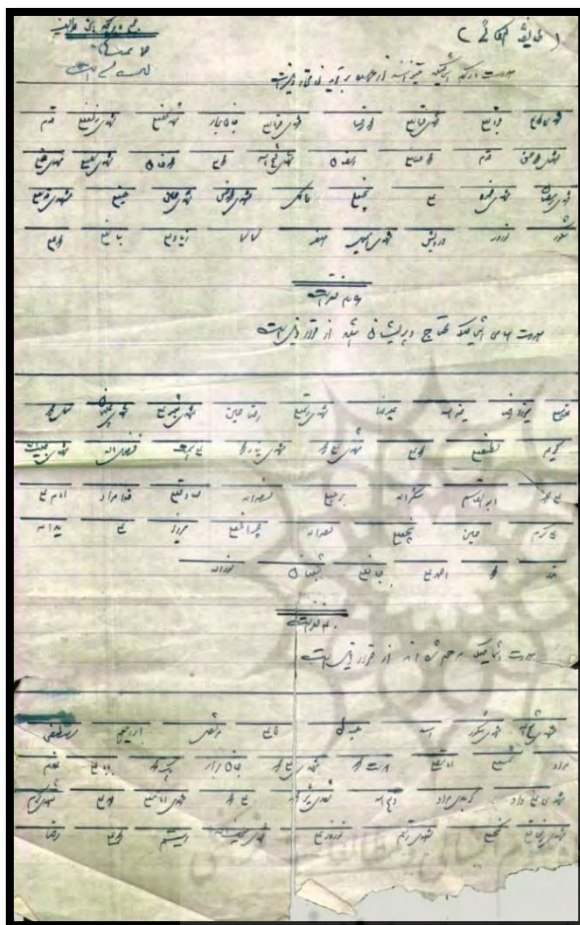


با توجه به پراکندگی سکونت‌گاه‌ها، نبود امکان اقامت دائم در یک نقطه و اوضاع نابسامان اقتصادی، وصول مالیات از ایلات و طوایف برای دولت بسیار دشوار و در برخی موارد، غیرممکن بود. در بسیاری از مواقع، اعطای ریاست و سرکردگی ایلات و عشایر را منوط به وصول مالیات از سوی سرکرده یا

سند ۱. نامه رئیس حکومت نظامی خوار به حکومت نظامی طهران در خصوص صورت بارکرده ایل الیکایی (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۷)

جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۸۹

رئیس ایل می‌دانستند. به دلیل کمبود وجه نقد در بین ایلات از یک سو و نیاز حکومت وقت به حمل غله خوار به انبار دیوان در تهران از سوی دیگر، اداره مالیه خوار و سران



ایل الیکایی موظف بودند بخشی از غله خوار را به تهران حمل کنند (سند ۲).

با توجه به تعیین مبلغ یک تومان به عنوان کرایه حمل هر خروار غله به تهران در اواخر قرن ۱۳ شمسی، ایل الیکایی موظف بود ۸۸۲

خروار غله دولتی را به تهران حمل کند. مالیات ایل اصائلو در این زمان حمل یک هزار خروار (۳۰۰ تن) غله خوار به پایتخت بود. این عمل به «بارکرده» شهرت داشت.

این مقدار غله به وسیله شتر به دارالخلافه حمل می‌شد. سران طوایف ایل الیکایی، مالیات خانوارهای

تحت سرپرستی خود را به نسبت تعداد و نوع دام، شامل شتر، گوسفند، بز یا الاغ^۱ محاسبه می‌کردند و سرپرستان خانوار موظف بودند به جای پرداخت مالیات مستقیم، مقدار مشخص شده غله را به

سند ۲. اسامی رؤسای ایل الیکایی که مسئول حمل بارکرده بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی)

۱. این میزان به ازای هر رأس گوسفند و بز ۳ کیلوگرم، الاغ ۷۵ و شتر ۴۵۰ کیلوگرم بوده است.

۹۰. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تهران حمل کنند. (شاه‌حسینی، ۱۳۹۲: ۷-۵). علاوه بر شترداران ایل الیکایی، ایل اصانلو^۱ نیز نقش ممتازی در انتقال غله خوار به دارالخلافه داشت. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، زمانی که اختلاف بین سران ایل اصانلو با مردم خوار بروز کرد، اهالی خوار با شکایت به دربار، خواستار کوچاندن افراد اصانلو از خوار شدند ولی دولت وقت، نظر به اهمیت سازمان مزبور و برخی دلایل سیاسی، از کوچاندن آنها صرف نظر کرد. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در مطلع‌الشمس درخصوص دلایل انصراف کوچاندن ایل اصانلو به دیگر نواحی مملکت نوشته است: «ایل اصانلو قریب چهار هزار شتر دارند که غله خوار را چه مال انبار دیوان و چه مال رعیت که برای فروش حمل به دارالخلافه می‌شود با شتر این طایفه حمل می‌شود. اگر این شتر در این ولایت نباشد لابد آمدن جنس اینجا به طهران مشکل می‌شود. آن وقت شتردار ولایات دیگر آمده، خریداری نموده، حمل به ولایات دیگر می‌کنند به طهران وارد نمی‌شود و اسباب شکست کار نان طهران می‌شود...». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۷۳-۳۷۲)

۳-۴. محصولات شتر

گوشت: گوشت شتر، مورد توجه الیکایی‌ها نبوده است. فقط چنانچه شتری به دلایلی بیمار می‌شد، آن را ذبح و گوشتش را بین اطرافیان توزیع می‌کردند. در برخی مواقع، گوشت شتر را تبدیل به قورمه می‌کردند تا در طول سال مصرف می‌کنند. قورمه شتر را در پوست بز نگهداری می‌کردند؛ اما قبل از آن، پوست را در دیگری حاوی «دادغ»^۲ (محلولی از پونه، دوغ و نمک) به عمل می‌آوردند و سپس با کارد یا چاقو، داخل پوست را تمیز می‌کردند تا بازمانده گوشت و احیاناً چربی زدوده شود. قورمه را بعد از سرد شدن، به طور فشرده داخل پوست جا می‌دادند تا خوب جاسازی شود و با خارج کردن هوای پوست، از فساد قورمه جلوگیری کند. یکی دیگر از شیوه‌های سنتی حفظ گوشت، نگهداری آن در جوال‌های آرد بود. گوشت در داخل جوال بو نمی‌گرفت و سالم می‌ماند.

۱. ایل اصانلو از ایلات بزرگ و تأثیرگذار منطقه خوار است که در سال ۱۲۱۰ هجری قمری / ۱۱۷۵ شمسی از خیمه زنجیان به خوار (گرمسار امروزی) کوچانده شدند. (امینی، ۱۳۶۸: ۱۲۸). آنها روستاهای متعددی در دشت گرمسار از جمله ده سلطان، دولت‌آباد، سعداآباد، رشمه، فند، شه سفید، سوداغلان و چند آبادی دیگر را بنیان نهادند. (شاه‌حسینی، ۱۳۹۲: الف: ۱۲۲).

2. dâdâq

جایگاه شتر و ساربان‌ی در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۹۱

در سال‌های اخیر، پرواربندی شتر در بین پرواربندان بومی رواج یافته و اغلب آنان شترهای مازاد شترداران شهرستان‌های استان سمنان را می‌خرند و پس از پروار و کشتار، در قصابی‌های محلی عرضه می‌کنند. در دهه گذشته، مصرف گوشت شتر به ویژه دیلاق^۱ افزایش چشمگیری یافته است.

پشم: پشم شتر را وقتی حیوان خوابیده با قیچی‌های بزرگ می‌چینند. اولین پشم‌چینی در دو سالگی^۲ انجام می‌شود. این پشم، مرغوب‌ترین پشم شتر است چون در این سن، حاوی کرک بیشتر و موی کمتر است. از نخ حاصل از این پشم نیز کلاه، شال، سجاده و دستکش می‌بافند. به تدریج با افزایش سن شتر از مرغوبیت پشم آن کاسته می‌شود. از پشم شترهای بالغ مانند اروانه و لوک، محصولاتی مانند جوال، سر گلیم، خورجین سفری و بُن بار می‌بافند.

پشم شتر را در اوایل تیر ماه در بیلاق می‌چینند و پس از پشم‌چینی، بدن حیوان را با روغن منداب چرب می‌کنند. بر این باورند که این کار از ابتلای شتر به بیماری «گری» یا «جَرَب» جلوگیری می‌کند و موجب فربه شدن آن می‌شود. منداب‌مالی، عصره‌نگام که هوا رو به خنکا می‌رود انجام می‌شود. پس از آن حیوان را به ارتفاعات و مراتعی که بافت ریگی دارد، هدایت می‌کنند؛ زیرا با منداب‌مالی، بدن شتر آتش می‌گیرد و اشک از چشمانش جاری می‌شود و به همین دلیل تلاش می‌کند در زمین‌های با خاک نرم بغلتد، تا اثر منداب از بین برود.

الیکایی‌ها برای پشم شتر احترام و تقدس خاصی قایل‌اند و از به کار بردن آن در تهیه زیرانداز یا پانداز، فرش و جوراب پرهیز می‌کنند؛ اما در بافت سجاده (جانماز)، سفره خمیر، سفره آرد، کلاه و دستکش از آن بهره می‌برند. کلاه شتری الیکایی‌ها شهرت بسزایی دارد.

شیر: هر شتر به طور میانگین روزانه ۴ تا ۶ کیلوگرم شیر می‌دهد. شیر شتر حاوی ویتامین‌های A و C و طعم آن شیرین است اما قابل فرآوری به ماست و سایر فرآورده‌های لبنی نیست. این شیر در حالت دوغ فوق‌العاده مطبوع و خوشمزه است. شیر

۱. نوجوان

۲. شتر بله‌بون

۹۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شتر اشتهاآور است و اشخاصی که اشتها ندارند آن را به عنوان اشتهاآور مصرف می‌کنند. همچنین از آن خوراکی به نام گورماست تهیه می‌شود که بسیار مقوی و خوشمزه است. از شیر شتر در تهیه شیر آش^۱ نیز در کوچ بهاره استفاده می‌کنند. اما آن را برای پخت فطیر^۲ به کار نمی‌برند چون بر این باورند که چسباندن خمیر فطیر بر دیواره تنور موجب خشک شدن شیر حیوان می‌شود. افزون بر این، شیر شتر در طب سنتی کاربرد دارد و بومیان در درمان بیماری‌های دیابت، سرفه و آسم از آن استفاده می‌کنند.

کود: استفاده از کود شتر در زراعت و باغداری رواج ندارد زیرا به دلیل زیست حیوان در کویر و استفاده از علوفه و آب شور، دارای نمک است و کشاورزان از آن برای کودورزی و تقویت زمین استفاده نمی‌کنند. پشکل شتر که در گویش محلی «اشتر پشکل» نامیده می‌شود، سوخت بسیار مناسبی برای تنور و پخت نان، غذا و چای به شمار می‌رفته است زیرا دی اکسید کربن بسیار کمی تولید می‌کند. از سوی دیگر، استفاده از آن نشانه‌ای از توجه به محیط زیست و حفظ پوشش گیاهی است؛ زیرا مانع از بوته‌کنی و سوزاندن گیاهان منطقه می‌شود.

پوست: در گذشته الیکایی‌ها با پوست شتر نوعی کفش ساربان‌ی به نام «چارق» تهیه می‌کردند. این کفش بندهایی به نام «سُریم» داشت که از پشم شتر می‌بافتند و دور مچ پا می‌بستند. در کف «چارق» نیز قطعه نمدی قرار می‌دادند تا پا راحت باشد.

۳-۵. چرای شتر

وجود مراتع وسیع بیابانی در آبادی‌های حاشیه کویر، شرایط مناسبی را برای پرورش شتر فراهم کرده است. مهم‌ترین گونه‌های گیاهی مراتع یاد شده را گیاهان شورپسند مانند تاغ، گز، گنگ، لوز، خارشتر، اشنان، نی و... تشکیل می‌دهند که از گیاهان مورد علاقه شتر هستند. یکی از این گیاهان، خارشتر است که در گویش الیکایی «اشتر تیغ» نامیده می‌شود. این گیاه خاردار اما مقوی، برای تعلیف شتر در فصل پاییز کاربرد دارد. شترداران ارزش غذایی آن را زیاد و برابر یونجه می‌دانند.

۱. شیربرنج

۲. نوعی نان شیرینی

جایگاه شتر و ساربان‌ی در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۹۳

روش استفاده از «خارشتر» خرمن کردن^۱ آن در محوطه بهار بند است. پس از بارش باران و نم‌دار شدن گیاه، شترها با ولع تمام آن را می‌خورند. در برخی مواقع شترهای «لگند»^۲، مست لویک^۳ و بیمار را با نواله، تخم پنبه و یونجه تغذیه دستی می‌کنند. در فصل بهار، همزمان با کوچ بهاره، شترها نیز راهی مناطق بیلاقی می‌شوند. مهم‌ترین گونه‌های گیاهی مراتع بیلاقی مورد استفاده شتر، عبارت از ارشته، کلاه میرحسن، علف گندمی، کنگر^۴، اسپرس خاردار، چوبک و خرگوشک^۵ هستند. چنانچه در نواحی بیلاقی در برخی نقاط گیاهان شور روی^۶ یافت شود، شتران را هفته‌ای یک‌بار به آنجا برای چرا می‌برند. و در اصطلاح به آنها شور می‌دهند. در غیر این صورت از نمک طعام استفاده می‌کنند. نمک بلغور طبیعی که از گنبدهای نمکی دره حبله‌رود بویژه اطراف محمودآباد برداشت می‌شود، بر نمک نرمه یا آسیاب‌شده برتری دارد چون خوردن آن برای حیوان راحت‌تر است. برخی از عشایر نیز نمک مورد نیاز خود را از گرمسار تأمین می‌کنند. نمک‌ها را بر روی سنگ‌های صاف «لپ سنگ» می‌ریزند تا به مصرف شتر برسد به این مکان «نمک لپسه» می‌گویند.

۳-۶. اسامی شتر

در ایل الیکایی، به طور معمول، شترها به تفکیک سن و جنس نامگذاری می‌شوند. این اسامی عبارت‌اند از:

مادیلاق، نزدیلاق، بله‌بون، لویکچه مچی، لویک ارونه، کُینه لویک و پیرارونه سن لویک‌ها را با بهار می‌سنجند؛ برای مثال، لویک ۵ ساله را یگ بهار و شش ساله را دو بهار می‌نامند و به همین ترتیب تا شش بهار ادامه می‌دهند که پس از آن، لویک و اروانه پیر می‌شوند و کارایی خود را به تدریج از دست می‌دهند.

۱. عشایر الیکایی گرمسار به این کار «تیه هردن» (تایه کردن) می‌گویند این عمل تا اوایل دهه ۱۳۵۰ در منطقه گرمسار و آرادان رواج داشت.

۲. لاغر

۳. لوک مست و آماده جفت‌گیری

۴. قنقال

۵. گل ماهور

۶. در اصطلاح مکانی است که امکان رویش گیاهان شور وجود دارد.

۹۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شترداران الیکایی، افراد قوی و توانمند را به لوک تشبیه می‌کنند. (شاه‌حسینی، ۱۳۹۴: ۱۷۰) لوک حیوان شجاع و نترسی است.^۱

– رُگاحی: دیلاق‌ها بعد از شش ماه شیرخوارگی در اوایل پاییز از شیر گرفته می‌شوند، به این عمل در اصطلاح «رُگا» و به این شتر رگاحی می‌گویند. عمل رگا در فصل پاییز و در شب انجام می‌شود تا دیلاق متوجه جهت حرکت مادر نشود و نفهمد به کدام سو رفته است. بعد از چند روز دیلاق «اوی رَش» می‌شود؛ یعنی مادر را فراموش می‌کند و شیر مادر نیز خشک می‌شود. چنانچه دیلاق با مادرش در یک گله نگهداری شود، امکان شیرخوارگی وجود ندارد و اروانه مادر نیز آمادگی جفت‌گیری پیدا نمی‌کند.

علاوه بر سن و جنس، شترها گاه برحسب رنگ نیز نامگذاری می‌شوند. به طور معمول، شترها رنگ قهوه‌ای تیره متمایل به سوخته دارند. شترهای متمایل به رنگ سفید هم به ندرت در منطقه دیده می‌شوند.

– صَفْرا: متمایل به کبود صفرا شتر به رنگ قهوه‌ای تیره (سوخته)

– زرد اشْتِر: زرد

– کُتوی اَشْتِر: شتر کبود رنگ

– ایسبی آش‌تر: یا ایسبی اَشْتِر: شتر سفید

– سیا اَشْتِر: شتر سیاه رنگ

– عناب: شتر به رنگ جویزی

– ضَبَا: شتر با مژه‌های بلند و اطراف چشم پر پشم

۳-۷. داغ و نشان زدن

داغ کردن شترها بیشتر در بین شتردارانی رواج داشت که دارای شترهای زیادی بودند بنابراین از آنجا که شتران الیکایی‌ها بیشتر زیر بار بودند یا در حین کوچ مورد استفاده قرار می‌گرفتند، کمتر داغ زده می‌شدند. اما شترداران بزرگ بر کپل^۲ شتر داغ می‌نهادند تا نشان‌دهنده مالکیت فرد باشد. برخی از شترداران نیز برای زیبایی شترهای

۱. عشایر الیکایی گرمسار و آرادان به مردان توانمند و زورمند می‌گویند: «هتیه لویک» یعنی همانند لوک است.

۲. ران

جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۹۵

خود، گوش‌های دیلاق تازه متولد شده را از دو محل چاک می‌دادند و در این حالت گوش دیلاق به چهار قسمت تقسیم می‌شد. به این دیلاق در ۴ سالگی چهار گوش اروانه می‌گفتند.

۳-۸. شتر در ادبیات شفاهی ایل الیکایی

آنچه از بقایای شترداری در بین ایلات منطقه به یادگار مانده، ترانه‌ها، خاطرات، مثل‌ها و باورهای است که شترداران و ساربانان کهن سال ایل در ذهن خود دارند؛ گاه نیز جهاز و افسار و زنگی است که پیران با حسرت به آنها نگاه می‌کنند. در این بخش به جایگاه شتر در ضرب‌المثل‌ها، کارآواها، ترانه‌ها و دوبیتی‌های ایل الیکایی پرداخته می‌شود:

الف) شتر در ضرب‌المثل‌ها

۱. اِشْتِرِ رِ بَا بَارِشِ خُنَه
(شتر را با بارش می‌خورد. این مثل اشاره به حق و ناحق کردن و ضایع کردن اموال عمومی از سوی افراد فرصت‌طلب و سودجو دارد)
۲. اِشْتِرِ اَوَّلِ خَاسِنْدَنَن بَعْداً بَارِ كُنْدَنَن
(شتر را اول می‌خوابانند سپس بار می‌کنند.)
۳. اِشْتِرِ بُوخَا وَاشِ بَخُورَه گِرْدَنَشِ دُرَازِ كُنْدَه
(شتر بخواهد علف بخورد گردنش را دراز می‌کند.)
۴. اِشْتِرِ بِي جَاهَازِ بَوْمُونِين
(با شتر بدون جهاز آمدید؟ به طور معمول، اگر پدر و مادری بدون بچه‌ها به میهمانی یا دیدن بزرگ‌ترها بروند، این مثل گفته می‌شود.)
۵. اِشْتِرِ پُوسْتِ خَرِ بَارِ دَرِ
(پوست شتر بار الاغ است. یعنی شتر هر قدر هم بی‌ارزش باشد باز پوستش به اندازه بار یک الاغ ارزش دارد. این مثل در انتقاد از کسی گفته می‌شود که قصد دارد بزرگی را تحقیر کند) (شاه‌حسینی، ۱۳۹۴: ۲۷).

۹۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۶. اِشتر آگه گنه، زخمش هم گنه.

(شتر اگر بزرگ است، زخمش هم بزرگ است. در تأیید و اثبات اینکه اگر فردی مال زیاد دارد گرفتاری‌هایش آن هم بیشتر است. نظیر: هر که بامش بیش، برفش بیشتر) (شاه‌حسینی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۷. مَرِدِ حرف کوشنه، لویکِ سَرَبار

(لوک را بار اضافه می‌کشد و مرد را، تشویق دیگران برای کار بیشتر و سنگین‌تر). یعنی تعریف بیش از حد موجب خسران و زیان است. این مثل به زیبایی، یادآور کاروان‌هایی است که پهنه کویر را با استقامت و صبوری می‌پیمودند. در این سفرهای طاقت‌فرسا - که دیگر چارپایان جرئت حضور نداشتند - شتر تنها موجودی بود که با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود از قبیل حرکت در طوفان، تحمل تشنگی، دید فوق‌العاده در شب و جهت‌یابی کم‌نظیر می‌توانست تاجران، مسافران و زائران را از برهوت آتشین کویر به سلامت عبور دهد؛ در این سفرها ناگزیر لوک - که قدرتمندتر و تنومندتر بود - بار بیشتری حمل می‌کرد و کاروانیان اسباب دم دستی و خرده‌بارها را افزون بر بار اصلی بر پشت آن جاسازی می‌کردند.

۸. مَگه اِشتر قاطارَ

(مگر قطار کردن شتر است. کنایه از سخت‌نگرفتن کارها). در گذشته بار کردن و قطار شترها از کارهای سختی بود که مهارت خاص خود را می‌طلبید وقتی به کسی می‌گویند فلان کار را نمی‌توانی انجام دهی، در صورتی که آن کار نزد او سهل و آسان باشد، این ضرب‌المثل را به کار می‌برد.

(ب) شتر در کارآواها

از معروف‌ترین ترانه‌های ساربان‌ها، دو ترانه «بریوگ» و «هوی رو روگ» را می‌توان نام برد که در اینجا به هر یک پرداخته می‌شود.

هر گله شتر، دست کم ۴۰ نفر را شامل می‌شود که در اصطلاح به آن «بن گله» می‌گویند. یک ساربان نیز وظیفه مراقبت و به چرا بردن گله را برعهده دارد. از خصوصیات چرای شتر در صحرا، چرا به شکل پراکنده است. جمع کردن «بن گله» تنها

جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۹۷

با نوای دلنشین بریوگ عملی است. ساربانان با سر دادن این آواز به راحتی همه شتران را در صحرا گردمی آورند و راهی «گره»^۱ می کنند.

بریوگ ترانه یا آواز ساربان هاست که با صدای بلند خوانده می شود؛ به طوری که سکوت صحرا را در هم می شکند. این آواز از سه بیت تشکیل شده است و در بین دو بیتی ها خوانده می شود. در هر مصراع آن، واژه «یوگ» را سه بار تکرار می کنند.

yug yug jânam yug	یوگ یوگ جانم یوگ
yug yug golam yug	یوگ یوگ گلم یوگ
yug yug hayhâ yug	یوگ یوگ هی ها یوگ
yug yug lula yug	یوگ یوگ لوله یوگ
yug yug dula yug	یوگ یوگ دوله یوگ
yug yug bari yug	یوگ یوگ بری یوگ

روح الله کلامی در مقاله ای با عنوان «موسیقی کومش» می نویسد: «تردیدی نیست آهنگ یوگ در غرب کومش^۲ پیچیده ترین و در عین حال جذاب ترین قطعه کارگان سازی مرتبط با پیشه ساربانان و چوپانی است که هر نوازنده ای قادر به اجرای کامل و درست آن نیست. امروزه آقای علی گیلوری از معروف ترین نوازندگان نی در روستای اسلام آباد^۳ شهرستان آرادان و از معدود نوازندگانی است که می تواند این آهنگ را به طور کامل و درست بنوازد». (کلامی، ۱۳۹۱: ۲۳). شادروان امامعلی کاشانی از روستای فروان آرادان و حاج قنبر مؤمنی از دیگر خوانندگان بریوگ در منطقه هستند. دو نمونه از دوبیتی هایی که همراه با آواز بریوگ خوانده می شوند، عبارتند از:

سَرِ کوه بلند نی می زنم نی شتر گم کرده ام پی می زنم پی
شتر گم کرده ام با یک دسته هاشی گلی گم کرده ام شاید تو باشی

هَلَا لُوک سیاه بار تو قنده مکش قلماج که منزل پای بند

۱. gara: محل استراحت گله

۲. آرادان و گرمسار

۳. قلعه خرابه قبلی

۹۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مکش قُلماج که جای دَم زدن نیست گدوک سخت است که جای گرگدن نیست

هَلا لوک سیاه یالت بنازَم بلندی کاکُلت قَصری بسازم
اگر امشب مرا بر یار رسانی خودم زرگر شوَم زتگت بسازم

برخی از شتران ماده یا در اصطلاح ایل الیکایی «آرونه»ها، پس از زایش با نوزادان خود نامهربان می‌شوند؛ یعنی آنها را جمع و ضبط نمی‌کنند و شیرشان نمی‌دهند. در این هنگام، ساریبان، سرِ دیلاق^۱ را در بغل می‌گیرد، به پستان مادر نزدیک می‌کند و با خواندن ترانه هوی رو روگ و نوازش اروانه، حیوان را ترغیب و تشویق به شیر دادن به نوزادش می‌کند. متن ترانه:

هوی رو روگ جانم	هوی رو روگ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی قشنگ گلم
هوی رو روگ جانم	هوی رو روگ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی اروانه گلم
هوی رو روگ جانم	هوی رو روگ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی ننه جانم
هوی رو روگ جانم	هوی عناب ^۲ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی رو روگ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی صفرا ^۳ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی رو روگ جانم
هوی رو روگ جانم	هوی دیلاق جانم

۱. نوزاد شتر
۲. شتر سرخ‌رنگ
۳. شتر قهوه‌ای رنگ

❖ ۹۹ جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی

آواز این ترانه از نوع موقعیتی است و تنها برای شتر نگرم خوانده می‌شود. ساربان تا هنگامی که دیلاق از شیر مادر سیر شود، به خواندن این ترانه ادامه می‌دهد تا اروانه رگ کند و دیلاق را شیر دهد.

ج) شتر در ترانه‌ها و دوبیتی‌های ایل الیکایی

غرور نوجوانی از سرم رفت	شتر را بار کردند دلبرم رفت
جهنم مال دنیا دلبرم رفت	غرور نوجوانی مال و دنیا

که عشق یار جانی بر سرم بود	جلوی لوک زرد در گردنم بود
که ساربانان برای دیدنت بود	مرا حاجت نبود با ساربانان

بنالیم هر دو مان منزل به منزل	شتر از بار می‌نالد من از دل
منم نالم که دور افتادم از ول ^۱	شتر نالد که بارم گرانه

د) شتر در باور ایل الیکایی

- استفاده از پشم شتر در بافت جانماز را ثواب می‌دانند.
- از پشم شتر برای بافت زیرانداز و پاپوش، برای مثال جوراب، جداً خودداری می‌کنند.^۲
- اگر شتر محصول کشاورزی کسی را بخورد، محصول‌اش پر برکت می‌شود.
- قطعه‌ای از پشم شتر را می‌سوزانند و به عنوان مرهم بر روی زخم می‌نهند و در اصطلاح «خزیل داغ» می‌کنند تا بهبود یابد.
- دوقلو زاییدن شتر را بدیمن می‌دانند.
- شتر فرشته است نباید به او آزار رساند.

۱. معشوق؛ یار

۲. از آنجا که مردم این دیار برای شتر و از جمله پشم آن ارزش خاصی قائلند از آن برای بافت جانمازی بهره می‌گیرند و بافت زیرانداز و پاپوش از پشم شتر را بی‌حرمتی می‌دانند.

۹-۳. اصطلاحات شترداری در ایل الیکایی

- اِشْتِرِ پَشْگِل: پشگل شتر
- اَغْز (اَغوز): اولین شیرِ شترِ تازه زاییده که رنگ آن نسبت به شیر معمولی زردتر و غلیظتر است.
- اوی انداز/ آب انداز^۱: توقفگاهی بین راهی برای رفع خستگی قافله شتر
- باربند: بهاربند؛ محوطه‌ای حصار شده برای نگهداری چهارپایان
- بَد قاطر: شتری که سعی دارد از قطار شتران خارج شود
- بیلک بِن: جدا شدن تعدادی از شتران از گله و گم شدن آنها
- تَپَلَه: سرگین شتر یا گوسفند که به سبب مغذی بودن خوراک همانند پهن گاو به هم چسبیده باشد.
- جَلوی دار یا بارگیر: اولین شتر در ردیف قطار شتران؛ مقابل دُم دار
- دُم دار: آخرین شتر در ردیف قطار شتران؛ مقابل بارگیر
- دوکُپنه: (شتر) دوکوهانه
- رُگَاحی/ رگاحی: قطع دوره شیرخوارگی دیلاق، دیلاق به طور معمول حق دارد ۶ ماه از شیر شتر استفاده کند.
- رَم هَرْدَن: حالت شتری که از چیزی ترسیده، وحشت زده و آشفته، متواری و دور شود.
- سارِبون: ساربان
- سَامُون: سامان، محدود و حد و مرز چراگاه هر دامدار
- شور هُدان: چرای شتر در چراگاهی که علف شور دارد
- عَلف چَر: مرتع؛ چراگاه
- قاطر: دسته‌ای از شتران یا چهارپایان دیگر که به طور معمول در یک صف به دنبال هم حرکت می‌کنند.

۱. شتر در حین حرکت ادرار نمی‌کند. به همین دلیل کاروان شتر در منزل‌هایی که از قبل تعیین شده، توقف کوتاهی می‌کند تا هم استراحتی کرده و هم شتران ادرار کنند و در اصطلاح آبی بریزند. این واژه در فرهنگ‌ها به صورت «آب‌انداز» به معنی «استراحتگاهی در میان دو منزل برای رفع خستگی چهارپایان» ضبط شده است؛ که به نظر می‌رسد وجه تسمیه آن همین باشد. (عامری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۲۳۸).

جایگاه شتر و ساربان‌ی در ادبیات شفاهی ایل الیکابی ❖ ۱۰۱

- کاروون: کاروان. هر کاروون از چند قطار تشکیل می‌شود.
- کُپن: کوهان
- کَلَمَه پیچ هَرَدن: جمع و جور کردن گله و راندن آن با سرعت
- کُند: گلوله خمیری که از آرد جو درست کنند و به سگ، شتر، بز و گوسفند دهند.
- کُتو: کبود
- گَره: جایگاهی بدون حصار در صحرا، چراگاه و یا نزدیکی آبگاه که گله را در آنجا می‌خوابانند.
- گَلا: گله شتر رها در چراگاه، یلخی
- گورم ماست: غذایی ساربان‌ی و چوپانی که از مخلوط شیر نجوشانده و ماست تازه درست می‌شود. نان را در آن ترید و میل می‌کنند.
- لُوکَه: لُوکَه دويدن؛ قسمی از راه رفتن انسان، اسب، استر، الاغ و مانند آنها که بین پورتمه و قدم است؛ رفتاری میان راه رفتن و دويدن
- نارد: ^۱ویژگی چراگاه و علفزار بکر، تازه و دست‌نخورده
- هِرانداز: شتری که بعد از جفت‌گیری به دلیل دويدن، تنه خوردن و... سقط جنین کند و نیاز به جفت‌گیری مجدد داشته باشد.
- هُنار: حالت شتری که یک یا چند روز آب نخورده باشد. البته به فاصله زمانی آب خوردن شتر که ممکن است چند روز به طول بینجامد نیز گفته می‌شود.
- هِی هَرَدن یا لوله هَرَدن: صوت راندن شتر، گوسفند، الاغ و مانند آن
- هِی هُوی: صوت راندن شتر
- هِیخ هِیخ: صوت آرام کردن یا خوابانیدن شتر
- ضَبَّا: گونه‌ای شتر که موهای اطراف چشم، پلک و گوش آنها از حد معمول بلندتر است.
- داغ: ابزاری آهنین که آن را بر روی آتش سرخ می‌کنند و بر صورت شتر می‌گذارند تا پوست را بسوزاند و شکل داغ مورد نظر نقش ببندد.

۱. پیشوند منفی‌ساز «نا» + رد (اثر و نشانه پا) به معنای محلی بکر و دست‌نخورده که اثر پا به آن نرسیده باشد.

۱۰۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- عَگَال هَرْدن: بستن زانوی شتر
- عَگَال: ریسمانی بافته شده از پشم شتر برای بستن زانوی آن
- هِر و هُویش: دیلاق‌ها و بله‌بان‌هایی که در قالب یک دسته با هم چرا می‌کنند.
- لوت: محلولی از آرد جو و آب که به جای شیر به دیلاق یا دام ناتوان دهند.
- اُوست: آبستن؛ ماده شتری که آبستن باشد.
- سخت‌دوش: ویژگی پستان‌هایی که شیر به سختی از آنها بیرون می‌آید؛ مقابل نرم‌دوش
- پاک‌دوش: دوشیدن کامل شیر حیوان
- لویک باز: نازا و عقیم؛ اروانه‌ای که جفت‌گیری می‌کند ولی آبستن نمی‌شود.
- گُون: سرپستان‌های دام
- دوشا: دام شیرده
- رُگا: از شیر گرفتن دیلاق
- آتَنه: پوستی که بچه در زهدان درون آن است؛ جُفت که بعد از زایش از دام خارج می‌شود.
- شیر سوت: ویژگی شتری که در ایام شیرخوارگی به دلیل از دست دادن مادر و یا خشکسالی از خوردن شیر کافی محروم بوده و در نتیجه، ضعیف و ناتوان شده است.
- قِصَطِر (قصر): ویژگی ماده شتر یا دامی که آبستن نشده است.

۴. جمع‌بندی

ادبیات شفاهی به عنوان پاره مهم گنجینه ادبیات هر قوم، شایسته پاسداشت و درخور بررسی دقیق علمی است. گردآوری، مستندسازی و ارائه ادبیات عامه بویژه در دنیای مدرن امروز، امری ضروری است؛ چرا که پدیده‌های فولکلوریک بومی ایران، سازه‌های کهن فرهنگ اقوام ایرانی را تشکیل می‌دهند و فرهنگ ملی به این پاره‌های جدا افتاده از خویش، بسیار نیازمند است و اساساً اعتبار و ارزش و ژرفای فرهنگ ملی، با این خرده‌فرهنگ‌ها تحقق می‌یابد. هیچ یک از تلاش‌هایی که برای تبیین تاریخ و فرهنگ راستین یک ملت صورت می‌گیرد، بدون در نظر گرفتن پدیده‌ها و آفرینش‌های فولکلوریک، کامل نخواهد بود.

جایگاه شتر و ساربانان در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۱۰۳

یکی از بخش‌های فرهنگ عامه که تاکنون دور از نظر مانده، خرده‌فرهنگ‌های شترداران و ساربانان است. ضرورت‌های اقتصادی، به همراه تأثیرات فرهنگی و روانی در مجموع، شأن و منزلتی ویژه برای شتر در این فرهنگ ایجاد کرده است. اما استقرار شترداران و ساربانان در نقاط دوردست و نیز دشواری کار آنان سبب شده است که پژوهشگران کمتر به آنان بپردازند. مقاله حاضر، با ثبت و ضبط ادبیات شفاهی مربوط به شترداران به عنوان یکی از پیشه‌های سنتی و اصیل ایرانی، ضمن معرفی آن به علاقه‌مندان فرهنگ عامه؛ هموطنان و مخاطبان را با بخش دیگری از فرهنگ غنی کشورمان آشنا می‌سازد.

اقوام ایرانی از دیرباز زندگی خود را بر مدار پدیده‌های طبیعی و منطبق با ویژگی‌های اقلیمی و محیطی دایر کرده‌اند. تا جایی که پیشه‌ها و مشاغل، وضعیت جغرافیایی و آب و هوا، اقلیم و... با ادب شفاهی هر قوم پیوستگی خاصی یافته است. ساربانان یا شتربانان به عنوان یکی از پیشه‌های کهن و دیرسال در ایران، انبوهی از واژگان، اصطلاحات، باورها، آیین‌ها و ضرب‌المثل‌ها را در فرهنگ شفاهی شترداران بر جای نهاده است. مثل‌ها در این آفرینش‌ها جای عمده‌ای دارند. مرور در بُن‌مایه‌های معنایی ضرب‌المثل‌های موجود در زمینه شتر و شترداری، در نخستین نگاه این نکته را به ذهن می‌آورد که چگونه یک پیشه سنتی با اقتصاد مبتنی بر دامداری سنتی، فرهنگی پر محتوا و غنی می‌سازد؟ اگر ضرب‌المثل‌ها را فشرده تجربیات طولانی چندین نسل بدانیم، می‌توانیم بگوییم که این مثل‌ها از شکل و شیوه زندگی مردمان مایه می‌گیرند و اگر خواننده بخواهد با رخدادها و فراز و نشیب و منش‌های اخلاقی جامعه انس بگیرد، نباید از درونمایه و پیام‌های این ضرب‌المثل‌ها به آسانی بگذرد.

همچنین می‌دانیم که صورت‌های اولیه کارآواها، کهن‌ترین نوع ترانه‌های عامیانه‌اند و بر پایه برخی نظریات، منشأ هنر و بویژه شعر و موسیقی به شمار می‌روند. افزون بر همه اینها، از آنجا که این ترانه‌ها با آهنگ خاص خود خوانده می‌شوند و برخاسته از فطرت زمزمه‌کنندگانی هستند که بدون هیچ توافق و آموزشی به اتفاق نظر و یگانگی رسیده‌اند، ضبط آنها می‌تواند، مصالح لازم را برای موسیقی ملی و علمی فراهم آورد و در حفظ هویت ملی مؤثر واقع شود.

منابع

- استرآبادی، میرزا ابراهیم (۱۳۵۵). سفرنامه استرآباد، مازندران و گیلان. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲). مطلع الشمس، ۳ ج، جلد سوم. تهران: پیشگام.
- امینی، محمد (۱۳۶۸). تاریخ اجتماعی ورامین در دوره قاجاریه. ورامین: مؤلف.
- ایران‌نژاد پاریزی، عزیزالله (۱۳۸۷). «جایگاه شتر در فرهنگ مردم آشکار حاجی آباد بندرعباس». نجوای فرهنگ، ش ۱۰. صص ۸۲ - ۷۵.
- برجی، حسن (۱۳۹۵). «کاربرد شتر در کنایات و ضرب‌المثل‌های عامیانه». در مجموعه مقالات دومین کنگره ملی شتر. دوم و سوم بهمن، بندرعباس: دانشگاه هرمزگان.
- بی‌نا (۱۳۹۱). سالنامه آماری استان سمنان در سال ۱۳۹۰. سمنان: استانداری سمنان.
- رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۲۹). فرهنگ جغرافیایی ایران - آبادی‌ها. جلد یکم، استان مرکزی. تهران: ستاد ارتش.
- شاه‌حسینی، ابراهیم (۱۳۹۱). ترانه‌های ساربان‌ی: از فرهنگ و گویش‌های کومش کتاب سوم. به کوشش، اسماعیل همتی، سمنان: کتاب سمنگان.
- شاه‌حسینی، علیرضا (۱۳۹۴). ادبیات عامیانه ایل الیکایی. سمنان: حبله‌رود.
- شاه‌حسینی، یونس (الف ۱۳۹۲). ایل اصانلو. سمنان: حبله‌رود.
- شاه‌حسینی، یونس (ب ۱۳۹۲). مالیات ایل الیکایی در دوره قاجاریه؛ در قلمرو فرهنگ مردم ایل الیکایی. سمنان: حبله‌رود.
- عامری، جواد؛ طباطبایی، سید حسین (۱۳۹۶). «واژگان و اصطلاحات شترداری در گونه زبانی طرود». دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامیانه. سال ۵، ش ۱۶ (مهر و آبان)، صص ۲۴۲-۲۱۷.
- کلامی، روح‌الله (۱۳۹۱). «موسیقی کومش». مجله ماهور. ش ۵۶. ۲۴۱ صفحه.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۶۹). «شتر یار دیرین کوچ‌نشینان کویر». فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ش ۱۳، صص ۹-۲.

جایگاه شتر و ساربان‌ی در ادبیات شفاهی ایل الیکایی ❖ ۱۰۵

- مرکز آمار ایران (۱۳۶۸). سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور - تیر ماه ۱۳۶۶ نتایج تفصیلی کل کشور. تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۸). نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۷۷. تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۸۷، نتایج تفصیلی کل کشور، تهران.
- هنری، مرتضی، (۱۳۵۴) «شترداری در کویر». مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، شماره ۲ (پاییز). تهران: مرکز مردم‌شناسی.

راویان

- ابولی، گلدسته، روستای حسین‌آباد کردها، شهرستان آرادان، ۱۳۹۳/۹/۱۵
- ابولی، گوهر، رستم‌آباد آرادان، فروردین ۱۳۹۹
- احمدی، محمدمهدی، جهاد کشاورزی استان سمنان، ۱۳۹۹/۳/۱۱
- شاه‌حسینی، سبزعلی، روستای فروان شهرستان آرادان، مرداد ۱۳۹۵
- عاشوری، محمدحسین، روستای فروان شهرستان آرادان، ۱۳۹۹/۳/۲۳
- کاشانی، امامعلی، روستای فروان شهرستان آرادان، مرداد ۱۳۹۶
- کاشانی، امرالله، شهرستان آرادان، خرداد ۱۳۹۹
- گیلوری، احمد، شهرستان آرادان، دی ماه ۱۳۹۶
- گیلوری، مصیب، روستای اسلام‌آباد شهرستان آرادان، دی ماه ۱۳۹۶
- مؤمنی، قنبر، روستای حسین‌آباد کردها شهرستان آرادان، تیر ۱۳۹۳



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی